

جنبش اجتماعی 22 خرداد در مقطع روزهای 29 خرداد تا به امروز

بالاخره جناح حاکم بعد از یک سلسله حرکت‌های چند مؤلفه‌ای که از فروردین 25 خرداد تا نماز جمعه 29 خرداد کرد، کوشید که در نماز جمعه 29 خرداد پلاتفرم عملی نهائی خود را نسبت به جناح و جریان مقابل به نمایش بگذارد تا کشتی طوفان زده خود را پیش از غرق شدن از آب نجات دهد. طبیعی بود که در این راستا کسی غیر از خود خامنه‌ای نمیتوانست سکندار کشتی طوفان زده رژیم فقهائی حاکم باشد. زیرا آنچنان لرزه در اندام حاکمیت افتاده بود که هیچکس را یارای اعلام هویت نبود، طبیعی بود که خامنه‌ای با شعار نجات نظام قبل از نجات انتخابات در روز 29 خرداد وارد صحنه شد و میخواست به تاسی از خمینی این پیام به همه جناحها مخالف درون نظام بدهد که هنگامی که نظام نباشد منافع هیچکدام ما تامین نیست (و بقول خمینی جنگ گرگ ها هنگام شکار نیست بلکه زمان تقسیم شکار است که چشم باز روبروی همدیگر میخوابند تا یکدیگر را پاره نکنند) بهر حال اگر چه خامنه‌ای با شعار نجات نظام فقاقت قبل از تقسیم قدرت و نجات انتخابات روز 29 خرداد دو باره وارد صحنه شد اما بدلایلی که بذکر آن خواهیم پرداخت نتوانست مانند خمینی اردو کشی کند و لشکر شکست خورده نظام را جمع کند.

تحلیلی بر خطبه نماز جمعه خامنه‌ای در 29 خرداد: بیشک خطبه نماز جمعه 29 خرداد یکی از باد ماندنی ترین پلاتفرم عملی رژیم فقاقتی در تاریخ 30 ساله خود خواهد بود چرا که اولاً این خطبه در مقطعی از زمان و تاریخ نظام فقاقتی ایراد شد که جنبش اجتماعی 22 خرداد سکان حاکمیت نظام را بلرزه درآورده بود و با فروردین چهار میلیونی 25 خرداد خیابان آزادی و تظاهرات متعاقب آن در 26 و 27 و 28 خرداد ماه تهران و تظاهرات مردم در شهرهای بزرگ که به تاسی از تظاهرات تهران از سر گرفته شده بود، میرفت که یا جنبش اجتماعی 22 خرداد را وارد یک فراندن سراسری چهل میلیونی بکند و یا با پیوند جنبش اجتماعی به جنبش دانشجویی و جنبش کارگری کار نظام را یکسره کند. بنابراین در رابطه با تحلیل خطبه 29 خرداد خامنه‌ای در نماز جمعه اولین موضوعی که باید مد نظر قرار گیرد شرایط تاریخی بیان این خطبه بود. دومین موضوع مخاطبین فیزیکی خطبه 29 خرداد خامنه‌ای بود که اگر چه با تبلیغاتی که از یک هفته قبل از این خطبه شبانه روز با بوق کرنای تبلیغاتی جناح فقاقتی حاکم سعی میکرد اولاً حداکثر لشکرکشی با مکانیزمهای دولتی جهت جمع کردن نیروها فراهم سازد و از طرف دیگر تمامی تلاشش در این بود که از دو جناح متخاصم طلبکار قدرت و ثروت و معرفت در این اردو کشی استفاده کند که خامه‌ای در هر دو این خواسته‌های ناکام ماند نه توانست نیرویی بسیج کند تا حداقل توان عرض اندام در برابر فراندن 25 خرداد داشته باشد. چرا که حداکثر نیرویی که توانست جمع کند در این نماز جمعه با توجه به پایگاه مذهبی - سنتی - سیاسی که نماز جمعه دارد دویست هزار نفر بود. دویست هزار نفر کجا و چهار میلیون نفر کجا. اما در رابطه با حضور جناح متخاصم باید بگوئیم که اگر چه کربوبی در دعوتی که در روز چهارشنبه 27 خرداد جهت شرکت هواداران با پیراهن مشکی در نماز جمعه 29 خرداد کرد ولی بخاطر مخالفت موسوی با شرکت هواداران در نماز جمعه 29 خرداد پیشنهاد کربوبی به شکست برخورد کرد و هیچکدام از طرفداران یا رهبران جناح متخاصم در نماز جمعه 29 خرداد شرکت نکردند و همین موضوع باعث گردید تا خامنه‌ای نقش فرا کاستی فقاقتی که خمینی در حل تضادها به آن تکیه میکرد فراموش کند و شمشیر را از رو ببندد. در یک نگاه کل محورهای صحبت‌های خامنه‌ای در نماز جمعه 29 خرداد عبارت بودند از:

الف - اعلام اشتراک منافع دو جناح متخاصم در عرصه نظام فقاقتی: خامنه‌ای این منظور را با طرح اینکه تمامی کاندیداهای چهارگانه رئیس جمهوری عضو با سابقه خانواده خوش سابقه! نظام فقاقتی بوده اند که در این رابطه یکی و یکی آنها را معرفی کرد از فرمانده نظامی رضائی تا 8 سال رئیس مجلس کربوبی و 8 سال نخست وزیر موسوی.

ب - حمایت عاطفی از هاشمی رفسنجانی و برائت فکری از او: برای اولین مرتبه خامنه‌ای تضاد فکری خود را با هاشمی از موضع حمایت احمدی نژاد اعلام کرد، لازم به تذکر است که این موضع گیری خامنه‌ای در پاسخ به نامه سرگشاده هاشمی در 19 خرداد به خامنه‌ای بود که در آن نامه هاشمی در اعتراض به خامنه‌ای برای وادار ساختن خامنه‌ای به خط کشی با احمدی نژاد که در ادامه افاشاگرهای مناظره تلویزیونی احمدی نژاد با موسوی (بر مبنای همان غوغا سالاری که احمدی نژاد جهت یارگیری درون طبقه پائین جامعه تحت شعار مبارزه با مفاسد اقتصادی از سر گرفته بود و برای به زانو در آوردن مثلث متخاصم موسوی - خاتمی - هاشمی) احمدی نژاد کوشید از همان تاکتیک مبارزه با فساد مالی و رانت خواری تحصیلی که سر تا پای مثلث متخاصم به آن آلوده بودند توجه طبقه محروم جامعه را بخود جلب کند، بردارد.

- ج - حمایت از انتخابات و مخالفت با شعار موسوی که ابطال انتخابات بود:** مهمترین محور صحبت خامنه ای در خطبه 29 خرداد همین محور حمایت از انتخابات 22 خرداد و مخالفت با شعار ابطال انتخابات موسوی بود، چرا که آنچنانکه قبلاً مطرح کردیم با این عمل تمامی رشته های خامنه ای پنبه میشد زیرا آنچه که باعث شده بود تا خامنه ای تن به کودتای مخملی 22 خرداد بدهد و با آن کودتا بستر جنبش اجتماعی 22 خرداد را فراهم سازد، عبارت بود از:
1. پتانسیل موسوی بخاطر گذشته حزبی - سیاسی اش در رویارویی مستقیم با خامنه ای بود که هیچکدام از عناصر درون حاکمیت بغیر از منتظری از این پتانسیل برخوردار نبودن و علت اینکه جناح خاتمی و جناح هاشمی هر دو به این نتیجه رسیدن که راه رفرمیته یا توسعه سیاسی در ایران مقابله با قطب ولایت و خامنه ای است و تنها کسی که درون نظام از آنچنان پتانسیلی برخوردار بود که میتوانست به نبرد رویارویی با خامنه ای در کانتکس نظام فقاهتی بپردازد فقط و فقط موسوی بود و در همین راستا بود که هر دو جناح بصورت واحد بر روی موسوی قسم یاد کردند و با تمام توان مالی و تشکیلاتی بحمايت از موسوی پرداختند که برای این کار کافی است که توجه کنید که تعداد نماینده های موسوی معرفی شده بر سر صندوقهای رای 42 هزار نفر بوده است که طبیعی است که آن تشکیلاتی که میتواند این خیل نیرو برای موسوی بسیج کند، تشکیلات نا داشته موسوی نیست بلکه تشکیلات جناح خاتمی و هاشمی رفسنجانی بودند که از چنین توانائی برخوردار بودند و اگر نبود که جناح حاکم از دو پاشنه آشیل جناح موسوی که یکی ارتباط تشکیلاتی آنها از طریق پیامک و تلفن همراه بود و دیگری عدم برنامه ریزی موسوی برای حضور پیش از وقت به حوزه و کنترل خالی بودن جعبه ها جهت پلمب یا همراه شدن اجباری با 14 هزار صندوق سیار قطعاً کودتای مخملی خامنه ای بشکست منجر میشد هر چند بقول موحدی ساوجی قبلاً تریلی تریلی رای ها ساخته شده بود.
 2. به صحنه انتخابات آمدن بخشی از 20 میلیون رای خاموش معترض جامعه بخاطر شعارهای توسعه سیاسی موسوی در برابر احمدی نژاد که این موضوع باعث دو مرحله ی شدن انتخابات میشد که حاصل دو مرحله ای شدن انتخابات چیزی جز پیروزی موسوی برای خامنه ای ببار نمیآورد.
 3. پیوند مثلث موسوی و هاشمی و خاتمی در موضع مخالفت با احمدی نژاد - خامنه ای و حمایت از موسوی که در تحلیل نهائی در جبهه متخاصم با خامه ای خواهد بود این سه دلیل باعث گردید تا خامه ای که در انتخابات خاتمی در سال 76 حاضر نشد در حمایت ناطق نوری تن به کودتا بدهد و نتیجه انتخابات هر چند بر علیه بینش او بود، بالاخره بپذیرد در این انتخابات آگاهانه تن به کودتا داد تا از انتقال قدرت به موسوی بهر نحو که شده ممانعت ورزد.
- د - اعلام هم فکری خود با احمدی نژاد در مخالفت و مرز بندی فکری با هاشمی:** شاید این موضوع یکی از بزرگترین ضربه ای بود که خامنه ای با تیشه ولایت به ریشه حکومت فقاهت زد. بطوریکه اگر بگوئیم ولایت فقاهت بعد از این از این ضربه تیشه خامنه ای کمر راست نخواهد کرد، سخنی به گزاف نگفته ایم. زیرا آنچنانکه قبلاً نیز به اشاره رفت مهمترین شاه کلیدی که در زمان ولایت خمینی در دست خمینی جهت تقسیم قدرت بین میراث خواران قدرت وجود داشت همین فرا کاستی نمودن خودش بود که میتوانست در جنگ تقسیم قدرت بین گرگ ها نقش کنخدا بازی کند و در همین رابطه بود که خمینی بجای اینکه لباس خطی و جریانی مانند خامنه ای به تن کند میکوشید با پلیریزاسیون های ساختگی و طبیعی بین جناحهای قدرت، ایجاد تعادل کند تا زمان تقسیم قدرت راحت تر بتواند کد خدائی کند که بطور مشخص در رابطه با سیر پلیریزاسیون طبیعی و مصنوعی خمینی در مدت 10 ساله حکومتش خمینی سه مرحله طی کرده بود که مرحله اول پلیریزاسیون سال 58 بود که خمینی با ایجاد قطبهای قدرت مثل حزب جمهوری اسلامی و دفتر تحکیم وحدت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و ... کوشید در برابر قطبهای راست و لیبرال درون حاکمیت ایجاد توازن کند و لذا در سالهای 65 که دیگر ضرورت وجودی این قطبهای بر طرف شده بود اقدام به انحلال آن قطبهای قبلی کرد و قطبهای جدیدی مثل تشکیل مجمع روحانیون مبارز و مجمع مدرسین حوزه و ... در همین سال بوجود آورد که هدف پلیریزاسیون جدید خمینی در سال 65 مقابله با قطبهای راست بود که دارای ریشه معرفتی (اسلام راست حوزه) و ریشه اقتصادی (بازار) و ریشه قدرت و تشکیلات (سازمان روحانیت مبارز و مولفه و ...) بودند. البته پلیریزاسیون جدید خمینی در سال 65 ناخواسته رشته های خمینی را در آخر عمر پنبه کرد زیرا خروج منتظری و همراهانش در سال 67 بر خمینی پس از نسل کشی تابستان 67 خمینی شرایط را برای خمینی عوض کرد البته دیگر اجل مهلتی به خمینی جهت پلیریزاسیون جدید نداد در نتیجه با حاکمیت خامنه ای بر کرسی فقاهت و ولایت اوضاع عوض شد و کشتیبان را بقول قوام السلطنه سیاستی دیگر آمد.
- سیاست که از همان اوان خامنه ای برای ایجاد توازن قوا در پیش گرفت نهادینه کردن کاسه های قدرت و فر آمدن از اسب سرکش فرا کاستی خمینی و فرو رفتن در جرگه جناح راست قدرت و ثروت و معرفت بود که هم پایگاه قوی معرفتی در حوزه داشت و هم پایگاه مستحکم مالی در بازار و هم پایگاه ریشه دار در قطبهای سیاسی تشکیلاتی قدرت و همین برخوردار جریانی و فرو آمدن از اسب سرکشی فرا کاستی خامنه ای بود که باعث گردی بمرور زمان تمامی نهادهایی که خمینی در عرصه پلیریزاسیون های سیاسی - اجتماعی خود ایجاد کرده بود همه بر علیه خامنه ای استحاله

شوند مثل دفتر تحکیم وحدت یا سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی یا مجمع روحانیون مبارز یا مجمع مدرسین حوزه اما به همه این احوال اگر چه خامنه ای پیوسته سعی میکرد حامی جناح خط راست قدرت و ثروت و معرفت در حوزه و بازار و دولت باشد، هرگز این حمایت خود را علنی نمیکرد و در برابر جامعه سعی میکرد چهره فرا کاستی بخود بگیرد ولی سوال بزرگی که در همین جا مطرح میشود اینکه چه شد که خامنه ای تصمیم به این حمایت علنی جریانی از احمدی نژاد گرفت؟ اگر چه بصورت حمایت سیاسی در مقاطع مختلف انتخاباتی از جلسه افطار ماه رمضان سال گذشته هیئت دولت در منزلش گرفته تا سخنرانی ایام نوروز او در مشهد و بالاخره حمایت بی وقفه او در دیدارهای مختلف همه و همه دال بر حمایت سیاسی او از دولت احمدی نژاد داشت ولی حمایت فکری او از احمدی نژاد آنهم در برابر اعلام اختلاف فکری با هاشمی سر فصل جدیدی بود که آنچنانکه هاشمی در نامه اش پیش بینی کرده بود دود آتش خودآگاهی اجتماعی توده ها تمام آسمان ولایت و فقاقت را خواهد پوشانید.

ه - تهدید موسی به سرکوب در صورت ادامه اعتراضش: این تاکتیک خامنه ای که در نماز جمعه 29 خرداد اعلام شد شاید اولی تاکتیک بود که توسط نیروهای تحت الا مر او علیه جنبش اجتماعی 22 خرداد تهران تحقق پیدا کرد چرا که هنوز بیش از 26 ساعت از این تهدید خامنه ای نگذشته بود که سنگ فرش های خیابان آزادی از خون جنبش اجتماعی مردم تهران گلگون شد.

و - اعلام مظلومیت خود با تقدیم کردن بدن معلولش به امام زمان: البته این تاکتیک مظلوم نمایی برای تحریک کردن احساسات لباس شخصی ها و سربازان گمنام امام زمان تاکتیکی اختراعی از جانب او نمیباشد بلکه بالعکس قبل از مشارالیه خمینی از این تاکتیک جهت بسیج هوادارانش استفاده میکرد و خود خامنه ای هم از این تاکتیک برای بسیج لباس شخصی ها در جریان 18 تیر ماه استفاده کرده بود و این دومین مرتبه استفاده او از این سلاح میباشد که خود علامت حمله و قلع و قمع دشمنان است.

والسلام